

راهنمای بلوم

(مجموعه کتاب‌های راهنمای مطالعه و بررسی جامع ادبیات)

برای [مطالعهٔ رمان]

فرانکنشتاین

مری شلی

www.ketab.ir



انتشارات
سینا

عنوان و نام پدیدآور: فرانکشتاین مری شلی / به ویراست و با مقدمه هارولد بلوم؛ ترجمه حمید طالب.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات سیاهرود، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۶۷ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

فروست: مجموعه کتاب‌های راهنمای مطالعه و بررسی جامع.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۵۹-۰۹-۴

شناسه افزوده: بلوم، هرولد، ۱۹۳۰-م.، ویراستار، مقدمه‌نویس.

شناسه افزوده: طالب، حمید، ۱۳۵۹-، مترجم.

رده‌بندی کنگره: PR۵۳۹۷

رده‌بندی دیویی: ۸۲۳/۷

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۵۷۲۷۹



انتشارات
سیاهرود

کلیه حقوق این اثر (چاپ و اقتباس) برای انتشارات سیاهرود است و هیچ شخص حقیقی و حقوقی حق چاپ، انتشار و کپی این کتاب را به هر صورت ندارد.

siahroud@gmail.com

www.siahroudpub.ir

نام کتاب: فرانکشتاین مری شلی

ویراستار: هارولد بلوم

مترجم: حمید طالب

ناشر: انتشارات سیاهرود

صفحه آرا: عادل کریمی‌نیا

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۴۰۰

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

فهرست

مقدمه مترجم	۷
مقدمه ویراستار	۱۳
مختصر زندگی نامه [ی نویسنده]	۱۷
داستان پشت این رمان	۲۵
فهرست شخصیت های داستان	۳۱
خلاصه و تحلیل داستان	۳۵
دیدگاه های انتقادی	۷۵
پرسی بیش شلی در باب فرانکشتاین	۷۵
کراسبی اسمیت در باب سال های زندگی ویکتور در ژنو	۷۸
لادمیلر جوردان و باب بازتاب مالیخولیا	۸۴
آن کی. ملور در باب بیرو و مفلو مدرن	۹۲
دیوید کتر در باب قضای ماموایی	۱۰۰
موریل اسپارک در باب نقش های متغیر فرانکشتاین و هیولای او	۱۰۷
ساندرا ام. گیلبرت و سوزان گوپار در باب نفوذ مستور	۱۱۳
لورا پی. کلریج در باب تنش های خانوادگی	۱۱۹
بتی تی. بنت در باب اعمال قدرت و مسئولیت پذیری	۱۲۶
متیو سی. برنان در باب روان شناسی چشم اندازها در فرانکشتاین	۱۳۳
ویلیام کریس من در باب رقابت خواهر و برادر	۱۴۰
جین مک لارن کادول در باب همدردی و تشابه	۱۴۷
آثار مری شلی	۱۵۵
منبع شناسی تفصیلی	۱۵۷
نویسندگان مقاله ها	۱۶۵

مقدمه مترجم

فرانکنشتاین از آن رمان‌هایی است که با خواندنش در جریان یکی از دغدغه‌های مهم فکری دوره‌ای خاص قرار می‌گیریم. در این کتاب راهنما، رمان فرانکنشتاین در بافت اجتماعی و زندگی شخصی و اجتماعی نویسنده آن قرار گرفته است تا ابعاد جدیدی از آن را به روی فهم ما بگشاید. البته یک اثر ادبی، از جمله فرانکنشتاین مری شلی را از جنبه‌های بسیاری می‌توان فهمید یا تحلیل کرد. در آن چه پیش رو دارید، این رمان حداقل از دوازده جنبه مختلف تحلیل و بررسی شده است. پس این کتاب کل رمان فرانکنشتاین را در بر ندارد، بلکه مختصری است از زندگی‌نامه نویسنده، بافت اجتماعی شکل‌گیری رمان و خلاصه داستان همراه با چند مقاله تحلیلی. پس به خصوص برای کسانی که با این رمان آشنا نیستند ممکن است چند بخش پیش از قسمت «خلاصه داستان» مبهم و خسته‌کننده باشد. از این رو، پیشنهاد می‌کنم ابتدا بخش خلاصه و تحلیل داستان را بخوانید یا لااقل نگاهی به این چکیده بیاندازید.

فرانکنشتاین دانشمندی منزوی، جامعه‌گریز و خودپسند است که در آزمایشگاه با وصله‌پینه کردن تکه‌های بدن مردگان، پیکری را سر هم کرده و با القای الکتریسته به آن پیکر، موجودی زنده خلق می‌کند. این موجود اسم مشخصی ندارد اما چون چهره‌ای زشت و ترسناک دارد هیولاست، چون فرانکنشتاین او را خلق کرده موجود فرانکنشتاین است و از آن جا که به تدریج کردار و اعمالش هم مثل چهره‌اش کریه و زشت می‌شود، دیو و شیطان نام دارد. فرانکنشتاین با اولین نگاه به موجودش، از سیمای کریه او منزجر و گریزان می‌شود و هیولا در تنهایی و مخفیانه به سطح بالایی از دانش و آگاهی و فصاحت زبانی و ادبی دست می‌یابد. اما از آن جا که همه انسان‌ها

تنها بر اساس ظاهر ترسناکش او را به بدترین شکل می‌رانند، شیطانی می‌شود که به ویرانی و تباهی در بین انسان‌ها رو می‌آورد. هیولا از فرانکشتاین می‌خواهد کسی از نوع خودش بیافریند تا با او همدلی کند و از تنهایی دردناکش در میان انسان‌ها رها سازد. فرانکشتاین که از همان لحظهٔ جان گرفتن موجودش از او گریزان است، به کلی به هم ریخته و به تدریج فهمیده که با خلق هیولا چه کار وحشتناکی انجام داده است، در نهایت خواستهٔ هیولا را برآورده نمی‌کند و حتی تا پایان داستان او را تعقیب می‌کند تا نابودش سازد.

در یک متن روایی به خصوص از نوع غیرواقع‌گرایانه‌ی آن که نمادها بسیار سیال هستند، معانی متفاوتی را می‌توان برداشت کرد. حالا اگر نویسنده مطالعاتی در فلسفه، علم و روان‌شناسی هم داشته باشد و در رمان خود از اسطوره‌های فرهنگی استفاده کند، خواننده احتمالاً انتظار دارد با لایه‌های معنایی بیشتری روبرو شود. علاوه بر این خصوصیات، موضوع *فرانکشتاین* نیز به گونه‌ای است که حوزه‌هایی هم چون اخلاق، روان‌شناسی، تعلیم و تربیت، دین‌پژوهی، فلسفهٔ علوم طبیعی و انسان‌شناسی فلسفی را درگیر و مسائل مهمی دربارهٔ روابط خانوادگی، ارتباط فرد با جامعه و ارتباط علم و دین مطرح می‌سازد. بیشتر تحلیل‌هایی که در بخش «دیدگاه‌های انتقادی» آمده‌اند، برای بررسی انتقادی *فرانکشتاین* مری شلی از نظریه‌ها و ایده‌های این حوزه‌ها بهره برده‌اند. اما در این مقدمهٔ مختصر با تمرکز بر ارتباط میان ناخرسندی‌های انسان معاصر با نگاه حداکثری به علم طبیعی در عصر روشنگری و دوران مدرن، می‌کوشم به برخی معانی احتمالی *فرانکشتاین* برای مخاطبانی از فرهنگ و زبان فارسی اشاره کنم.

صرف‌نظر از تجربه‌های نویسنده در زندگی شخصی‌اش، فضای فکری و مسائل مهم عصر روشنگری نیز در *فرانکشتاین* به روشنی منعکس شده است. نهضت روشنگری اروپا، پایه‌های سبک زندگی و اندیشهٔ مدرن یا مدرنیتهٔ معاصر را بنا نهاد. در این دوره، مشروعیت سنت و باورهای دینی برای فهم انسان و جهان به چالش کشیده شد تا جایگاه رفیعی برای علم طبیعی فراهم شود. در نتیجه زمینه‌هایی برای تغییر خلیات یا دنیای درون انسان ایجاد گردید. امروزه یکی از موضوعات مهم در ارتباط با وضعیت انسان در دوران مدرن که در نظریه‌پردازی‌ها منعکس شده است،

گسست‌ها و تنش‌های شخصیتی و ناآرامی‌هایی است که پیش از عصر روشنگری با چنین وسعتی سابقه نداشته‌اند. فرانکنشتاین پیش از این نظریه‌پردازی‌ها در قالب یک داستان به این تغییرات و بحران‌ها توجه کرده است. به عنوان مثال، فردگرایی افراطی و اولویت دادن به خواسته‌های فردی حتی به قیمت نقض اصول اخلاقی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که در فرانکنشتاین و همچنین در سرگذشت زندگی نویسنده‌ی آن دیده می‌شود و البته با ناآرامی‌های دیگری نیز در ارتباط است.

فرانکنشتاین داستان مری شلی گرچه دانشمند باهوشی است اما شخصیت سالمی ندارد و به این خاطر در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهایش معقول عمل نمی‌کند. نامعقول بودن فرانکنشتاین به خصوص بعد از آزمایش علمی‌اش خود را نشان می‌دهد. پیش از خلق موجودش، انسانی به شدت درون‌گرا و منزوی است و بعد از آن هم پیوستگی و انسجام روانی خود را از دست می‌دهد، یعنی درونش دوباره شده و به ویکتور و هیولا تقسیم می‌گردد. نشانه‌های زیادی در این رمان هست که می‌توانند خواننده را به این نتیجه برسانند که فرانکنشتاین و هیولا در واقع یکی هستند، مثل این که فرانکنشتاین نمی‌تواند با کسی درباره‌ی هیولایش سخن بگوید و شواهدی بر وجود خارجی آن ارائه کند؛ این که هیولا نام مستقل و مشخصی ندارد، به جز فرانکنشتاین تقریباً کسی دیگر این هیولا را نمی‌بیند و این که قتل‌هایی را که گویی هیولا مرتکب می‌شود به راحتی می‌توان به فرانکنشتاین نسبت داد. این‌ها همه نشان می‌دهد داستان «خلق هیولا» در آزمایشگاه علمی فرانکنشتاین استعاره‌ای است برای نشان دادن این که در عصر استیلای کاوش‌های علم تجربی، برای نخستین بار یک دوبارگی اساسی در شخصیت و درون فرانکنشتاین پدید می‌آید. می‌دانیم که واقعه‌ی خلق هیولا حاصل کاوش‌های محض علمی است و دانشمندی که آن را انجام می‌دهد درون‌گرا و منزوی است و نمی‌تواند پیش‌بینی کند اقدامش برای انسان‌های دیگر چه نتایجی به همراه خواهد داشت. بنابراین روشن است که میان گسست‌ها و دوبارگی‌های درونی انسان با جدایی میان علم و اخلاق، ارتباط عمیقی وجود دارد.^۱

۱. برای آگاهی از ناخرسندی‌های مدرن در نتیجه‌ی دوبارگی و گسست درونی انسان، بنگرید به: طالب، حمید (۱۴۰۰) علم و دین: آگاهی بدن مند و ناخرسندی‌های مدرن، نشر نگاه معاصر، فصل دوم.